

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

فرستنده: لاله هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۲۵ اگست ۲۰۱۱

## ماتریالیسم تاریخی

ماتریالیسم تاریخی علم مربوط به عام ترین قوانین تکامل جامعه بشری است. ماتریالیسم تاریخی یا بینش ماتریالیستی تاریخ، تعمیم و کاربرد تیوری ماتریالیستی برای شناخت زندگی اجتماعی و تاریخی جامعه بشری است. ماتریالیسم تاریخی یک بخش لاینفک فلسفه مارکسیستی و یک جهان بینی تماماً متضاد با ایده آلیسم تاریخی است.

پیش از پیدایش مارکسیسم، ایده آلیسم تاریخی در زمینه تیوری تاریخ نقشی کاملاً مسلط را اشغال می نمود و ازینرو یک علم تاریخ اصیل نمی توانست به وجود آید. تنها ماتریالیسم تاریخی که به وسیله کارل مارکس بنیان گذارده شد، برای اولین بار قادر گردید به شکل صحیح علت اساسی تکامل تاریخ جوامع بشری را کشف و روند اصلی این تکامل و نیز عام ترین قوانین آن را از پرده ابهام خارج نماید.

از نظر ماتریالیسم تاریخی، هستی اجتماعی آگاهی اجتماعی را تعیین می کند و این آگاهی به نوبه خود متقابلاً بر هستی اجتماعی تاثیر می گذارد. هستی اجتماعی شرایط زندگی مادی جامعه و به ویژه شیوه تولید نعمات مادی را در بر می گیرد. آگاهی اجتماعی سیاست، حقوق، اخلاق، هنر، فلسفه و... را در بر می گیرد که این به نوبه خود یک عکس العمل فعال بر هستی اجتماعی اعمال کرده و در شرایط معینی حتی نقش تعیین کننده نیز ایفا می کند. مائوتسه دون می گوید: "... ما قبول داریم که در جریان عمومی رشد تاریخ، ماده تعیین کننده روح و وجود اجتماعی تعیین کننده شعور اجتماعی است؛ ولی در عین حال نیز می پذیریم و هم باید بپذیریم که روح بر ماده، شعور اجتماعی بر وجود اجتماعی و روبنا بر زیربنای اقتصادی تاثیر متقابل می گذارد."<sup>۱</sup>

از نظر ماتریالیسم تاریخی، تکامل تاریخی جامعه بشری دارای قوانین ویژه آنست. این حرکت تکاملی به حرکت و دگرگونی تضاد های اساسی جامعه (یعنی تضاد میان نیروهای مؤلده و روابط تولیدی و تضاد میان زیربنای اقتصادی و روبنا) وابسته بوده و از آن منشاء می گیرد. در جامعه ای که تضاد و آنتاگونیسم طبقاتی موجود است، این تضاد ها به صورت مبارزه طبقاتی حادی که بروز می کنند نیروی محرکه تکامل هر جامعه طبقاتی را تشکیل می دهند. مائوتسه دون می گوید: "مبارزه طبقاتی، پیروزی جمعی از طبقات و نابودی برخی دیگر، اینست تاریخ،

<sup>۱</sup> - مائوتسه دون: "در باره تضاد"

اینست تاریخ تمدن چندین هزار ساله. تفسیر تاریخ از این دیدگاه، ماتریالیسم تاریخی است، قرار گرفتن در نقطه مقابل آن ایده آلیسم تاریخی است.<sup>۲</sup>

ماتریالیسم تاریخی معتقد است که این توده های خلقی هستند که سازنده تاریخ اند. این بردگان هستند که تاریخ را می سازند و نه قهرمانان. توده های خلق نیروی عمده سه پراتیک بزرگ انقلابی (مبارزه طبقاتی، مبارزه تولیدی و مبارزه برای آزادی های علمی) هستند و بنابراین تاریخ تکامل جوامع همان تاریخ فعالیت ها و پراتیک توده های خلقی است. قوانین عینی تکامل اجتماعی به وسیله و از طریق فعالیت و پراتیک توده ها تحقق می یابند. مائوتسه دون می گوید: "خلق و فقط خلق است نیروی محرک و آفریننده تاریخ جهان."<sup>۳</sup>

بر پایه اعتقاد به این حقیقت که توده ها نیروی محرک تکامل تاریخ جوامع اند، ماتریالیسم تاریخی نقش فرد را نیز در تاریخ تأیید می نماید. رهبران انقلابی پرولتاریا که در جنبش های توده ای انقلابی پرولتری به وجود می آیند، نقش عظیمی را در پیروزی و تکامل انقلاب پرولتاریائی ایفا می کنند، زیرا فقط آن ها قادرند بهتر از هر کسی منافع و اراده خلق را بیان کرده به توده ها اعتماد کامل داشته و به آن ها اتکاء نموده و شناخت، هوش و ابتکار توده ها را جمع بندی و فشرده کرده و بالاخره قوانین تکامل جامعه را درک و به شکل درست آن، پرولتاریا و خلق های انقلابی را در سه مبارزه بزرگ انقلابی رهبری نمایند.

بنیانگذاری ماتریالیسم در تاریخ تکامل اندیشه بشری یک انقلاب عظیم به شمار می رود. لنین ماتریالیسم تاریخی مارکس را "بزرگترین پیروزی تاریخ اندیشه علمی" می داند.<sup>۴</sup>

ماتریالیسم تاریخی بنیاد تیوریکی است که بر پایه آن حزب پرولتاریا تاکتیک و ستراتیژی خود را تعیین می نماید و پرولتاریا و خلق های انقلابی را به تیوری علمی (در باره تکامل اجتماعی و شیوه علمی شناخت و دگرگون کردن جهان) مسلح می نماید و به این ترتیب به یک سلاح ایدئولوژیک نیرومند برای انجام پیروزمند مبارزه انقلابی مبدل می گردد.

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم

<sup>۲</sup> - مائوتسه دون: "پندار های واهی خود را بدور افکنید"

<sup>۳</sup> - مائوتسه دون: "در باره دولت ائتلافی"

<sup>۴</sup> - لنین: "سه منبع و سه جزء مارکسیسم"